

Handwritten Arabic calligraphy in a highly stylized, cursive script. The text is dense and features thick, dark strokes with intricate flourishes and loops. The characters are interconnected, creating a complex, flowing composition. The overall appearance is that of a traditional Islamic calligraphic work, possibly a religious or historical document.



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
گروه علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی آموزشی

بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با راهبردهای انگیزشی یادگیری و

عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه اصفهان

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد لیاقتدار

استاد مشاور:

دکتر سید ابراهیم میرشاه جعفری

استاد راهنما: دکتر محمد جواد لیاقتدار
تهیه شده در آران

پژوهشگر:

مریم شجاع حیدری

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

مهرماه ۱۳۸۸

۱۲۹۶۸۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقق موضوع این پایان نامه متعلق به
دانشگاه اصفهان می باشد.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی آموزشی
خانم مریم شجاع حیدری تحت عنوان

بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با راهبردهای انگیزشی یادگیری و
عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه اصفهان

در تاریخ ۸۸/۷/۲۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء
دانشیار

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محمد جواد لیاقتدار با مرتبه‌ی علمی

امضاء
دانشیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سید ابراهیم میرشاه جعفری با مرتبه‌ی علمی

امضاء
دانشیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر حسنعلی بختیار نصر آبادی با مرتبه‌ی علمی

امضاء
استاد

۴- استاد خارج از گروه دکتر سید احمد احمدی با مرتبه‌ی علمی

۰۱

امضای مدیر گروه

تقدیر و شکر

با تقدیر و شکر صمیمانه از اساتید گرام تقدیرم جناب آقای دکتر محمد جواد لیاقتدار و جناب آقای دکتر سید ابراهیم
میرشاه جعفری که در دوران تحصیل از محضراتشان استفاده فراوان نمودم و تحت راهنماییهای ایشان این
پایان نامه را به اتمام رساندم.

با شکر از پدر و مادرم که همیشه حامی من بودند و زحمات بسیار کشیده اند و با شکر از جناب آقای امید

عیسی نژاد.

تقدیم به استاد زندگیم

پدرم

عشق را در تو، تو را در دل، دل را در موقع پیدین و پیدین را به خاطر تو دوست دارم.
غم را در سکوت، سکوت را در شب، شب را در بستر و بستر را برای اندیشیدن به تو
دوست دارم.

من بهار را به خاطر سگوفه هایش، زندگی را به خاطر زیبایی هایش و زیبایی را به خاطر تو
دوست دارم.

من دنیا را به خاطر خدایش، خدایی که تو را آفریده، دوست دارم.
و حرف آخر با تمام وجود، دوستت دارم.

پدر

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین سهم نسبی مؤلفه های هوش هیجانی با باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ بود. حجم نمونه ۱۳۵۰ نفر از میان دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان که به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزارهای اندازه گیری شامل دو پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (IQ) و پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری (MSLQ) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کوواریانس، آزمون معنی‌داری همبستگی، آزمون مجذور خی و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و شاخصهای برازش مدل‌های ساختاری استفاده شد.

نتایج نشان داد: برای بررسی معنی‌داری هر یک از ضرایب مسیر بدست آمده به غیر از مسیرهای مربوط عامل همدلی و عامل روابط بین فردی t (قدر مطلق t) برای تمام مسیرها، بالاتر از $1/96$ است و تمام مسیرهای معنی‌دار هستند ولی میزان تاثیر (B) عامل‌های مسئولیت‌پذیری و روابط فردی معنی‌دار نیست. ضریب مسیر عاملهای شادمانی، واقع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری با باورهای انگیزشی و عاملهای روابط بین فردی، همدلی و خودابرازی با راهبردهای یادگیری خودتنظیمی معنی‌دار نیست و سایر مسیرهای معنی‌دار هستند. برای تمام مسیرها خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی، اضطراب امتحان، راهبردهای شناختی و خودتنظیمی بر عملکرد تحصیلی بالاتر از $1/96$ است و تمام مسیرهای معنی‌دار هستند. هوش هیجانی سهم عمده‌ای در راهبردهای انگیزشی و عملکرد تحصیلی دارد. یافته‌های پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان و پژوهشگران تعلیم و تربیت در جهت سرمایه‌گذاری و انجام مداخله در حیطه‌های مختلف هوش هیجانی، برای ارتقای عملکرد تحصیلی، و راهبردهای انگیزشی کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، عملکرد تحصیلی، دانشجویان.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ - مقدمه	۱
۲-۱ - شرح و بیان مسئله پژوهشی	۷
۳-۱ - اهداف تحقیق	۹
۴-۱ - اهمیت و ارزش تحقیق	۱۰
۵-۱ - فرضیه های تحقیق	۱۱
۶-۱ - تعریف متغیر های پژوهش	۱۱
۱-۶-۱ - هوش هیجانی	۱۱
۱-۶-۲ - خود کارآمدی	۱۱
۳-۶-۱ - ارزش گذاری درونی	۱۲
۴-۶-۱ - اضطراب امتحان	۱۲
۵-۶-۱ - راهبردهای شناختی	۱۲
۶-۶-۱ - خودتنظیمی	۱۳
۷-۶-۱ - عملکرد تحصیلی	۱۳

فصل دوم: ادبیات پژوهش

۱-۲ - مقدمه	۱۴
۲-۲ - پیشینه تاریخی موضوع	۱۷
۳-۲ - پیشینه پژوهش	۱۹
۴-۲ - هوش هیجانی	۲۱
۵-۲ - نظریه های مربوط به هوش هیجانی	۲۲
۱-۵-۲ - هوش هیجانی از دیدگاه سالووی	۲۲
۱-۱-۵-۲ - شناخت عواطف شخصی	۲۳
۲-۱-۵-۲ - به کاربردن درست هیجان ها	۲۳
۳-۱-۵-۲ - برانگیختن خود	۲۳

عنوان

صفحه

۲۴	۲-۵-۱-۴- شناخت عواطف دیگران.....
۲۴	۲-۵-۱-۵- حفظ ارتباط.....
۲۴	۲-۵-۲- هوش هیجانی از دیدگاه بار-ان.....
۲۵	۲-۵-۳- هوش هیجانی از دیدگاه گلمن.....
۲۵	۲-۵-۳-۱- آگاهی از هیجانات خود.....
۲۵	۲-۵-۳-۲- کنترل هیجان ها.....
۲۶	۲-۵-۳-۳- خود انگیختگی.....
۲۶	۲-۵-۳-۴- تشخیص هیجانات در دیگران.....
۲۶	۲-۵-۳-۵- کنترل روابط.....
۲۷	۲-۶-۶- مؤلفه های هوش هیجانی.....
۲۸	۲-۶-۱- مؤلفه های هوش هیجانی از نظر سالوی و جان مایر.....
۲۸	۲-۶-۲- مؤلفه های اصلی هوش هیجانی و اجتماعی و عوامل تشکیل دهنده آن.....
۲۸	۲-۶-۱-۲- مؤلفه های درون فردی.....
۲۹	۲-۶-۲-۲- مؤلفه های سازگاری.....
۲۹	۲-۶-۲-۳- مؤلفه های خلق و خوی عمومی (کلی).....
۲۹	۲-۶-۲-۴- مؤلفه های میان فردی.....
۲۹	۲-۶-۲-۵- مؤلفه های کنترل تنش.....
۲۹	۲-۶-۳- چکیده مفهوم هر یک از مؤلفه ها و ۱۵ عامل تشکیل دهنده آن.....
۲۹	۲-۶-۱-۳- مؤلفه ها.....
۳۰	۲-۶-۲-۳- عوامل.....
۳۱	۲-۷-۲- مؤلفه های هوش هیجانی از دیدگاه گلمن.....
۳۱	۲-۷-۱- مؤلفه نخست.....
۳۱	۲-۷-۲- مؤلفه دوم.....
۳۲	۲-۸- عوامل مؤثر در هوش هیجانی.....
۳۲	۲-۹- عناصر و اجزاء هوش هیجانی.....
۳۳	۲-۱۰- اهمیت هوش هیجانی.....
۳۴	۲-۱۱- نگاهی بر هوش هیجانی و هوش عمومی.....
۳۵	۲-۱۲- آیا هوش هیجانی ویژگی های یک هوش مستقل را دارد؟.....

- ۳۵-۲-۱۳- هوش هیجانی و موفقیت شغلی.....
- ۳۶-۲-۱۳-۱- موفقیت و پیشرفت.....
- ۳۷-۲-۱۳-۲- نقش مؤثر والدین در پیشرفت تحصیلی.....
- ۳۸-۲-۱۳-۳- دانشگاه و پیشرفت تحصیلی.....
- ۳۹-۲-۱۴- باورهای انگیزشی.....
- ۴۲-۲-۱۴-۱- خود-کارآمدی.....
- ۴۳-۲-۱۴-۲- نظریه خود کارآمدی-در مقابل نظریه کنترل.....
- ۴۴-۲-۱۴-۳- ارزش گذاری درونی.....
- ۴۵-۲-۱۴-۴- اضطراب امتحان.....
- ۴۷-۲-۱۵-۱- راهبردهای یادگیری خود تنظیمی.....
- ۴۷-۲-۱۵-۱- راهبردهای یادگیری.....
- ۴۸-۲-۱۵-۲- شناخت.....
- ۴۹-۲-۱۵-۳- فراشناخت.....
- ۴۹-۲-۱۵-۴- راهبردهای شناختی و فراشناختی.....
- ۵۰-۲-۱۶- خودتنظیمی.....
- ۵۰-۲-۱۶-۱- نظریه خودتنظیمی کارور و شیر.....
- ۵۳-۲-۱۶-۲- نظریه خودتنظیمی بندورا.....
- ۵۴-۲-۱۶-۳- مدل یادگیری خودتنظیمی باتلر و واین.....
- ۵۶-۲-۱۶-۴- رابطه انگیزش، شناخت و عملکرد تحصیلی.....
- ۵۷-۲-۱۷- تحقیقات انجام شده.....
- ۵۷-۲-۱۷-۱- تحقیق جامع پنتریج و دی گروث.....
- ۵۸-۲-۱۷-۲- تحقیقات انجام شده در خارج.....
- ۶۲-۲-۱۷-۳- تحقیقات انجام شده در ایران.....

فصل سوم: روش پژوهش

- ۶۵-۳-۱- مقدمه.....
- ۶۵-۳-۲- روش پژوهش.....

عنوان	صفحه
۳-۳- جامعه آماری.....	۶۵
۴-۳- نمونه ی پژوهش و روش نمونه گیری.....	۶۶
۵-۳- ابزار پژوهش.....	۶۷
۱-۵-۳- پرسشنامه هوش هیجانی بار- ان.....	۶۷
۲-۵-۳- پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری.....	۶۸
۳-۵-۳- پرسشنامه محقق ساخته ویژگی های جمعیت شناسی.....	۷۰
۶-۳- شیوه های تجزیه و تحلیل.....	۷۰

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۱-۴- مقدمه.....	۷۲
۲-۴- فرضیه اول.....	۷۷
۳-۴- فرضیه دوم.....	۷۹
۴-۴- فرضیه سوم.....	۸۱
۵-۴- فرضیه چهارم.....	۸۲

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱-۵- مقدمه.....	۸۸
۲-۵- بحث و یافته های پژوهش.....	۸۹
۴-۵- پیشنهادات کاربردی.....	۹۳
۵-۵- پیشنهادات پژوهش.....	۹۴
۳-۵- محدودیت های پژوهش.....	۹۴
پیوستها.....	۹۵
منابع و مأخذ.....	۱۰۲

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۵۲	شکل (۱-۲). مدل خودتنظیمی کارور و شیر
۵۵	شکل (۲-۲). مدل یادگیری خودتنظیمی باتلر و اوین
۷۱	نمودار (۱-۴). تعداد دانشجویان مذکر و مؤنث
۷۲	نمودار (۲-۴). میانگین و انحراف استاندارد سن دانشجویان
۷۲	نمودار (۳-۴). میانگین و انحراف استاندارد معدل دانشجویان
۷۳	شکل (۴-۴). میانگین و انحراف استاندارد درآمد
۷۷	شکل (۵-۴). ضرایب مسیر استاندارد تاثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی
۷۸	شکل (۶-۴). مقادیر برای تاثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی
۷۹	شکل (۷-۴). مدل ساختاری برای مؤلفه های هوش هیجانی با باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی
۸۱	شکل (۸-۴). ضرایب استاندارد برای تاثیر باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد
۸۲	شکل (۹-۴). مقادیر سوبل برای تاثیر باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد
۸۳	شکل (۱۰-۴). ضرایب مسیر استاندارد برای هوش هیجانی، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد
۸۴	شکل (۱۱-۴). مقادیر سوبل برای مؤلفه های هوش هیجانی، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۶۶	جدول (۱-۳). تعداد دانشجویان مذکر و مؤنث.....
۶۶	جدول (۲-۳). میانگین و انحراف استاندارد سن نمونه پژوهش.....
۶۷	جدول (۳-۳). میانگین و انحراف استاندارد میزان درآمد نمونه پژوهش.....
۶۸	جدول (۴-۳). نتایج برازش مدل عاملی تاییدی پرسشنامه هوش هیجانی باران.....
۶۹	جدول (۵-۳). نتایج تحلیل عاملی تاییدی (CFA) پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری.....
۶۹	جدول (۶-۳). نتایج تحلیل عاملی تصحیح شده برای پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری.....
۷۳	جدول (۱-۴). میانگین و انحراف استاندارد درآمد نمونه.....
۷۴	جدول (۲-۴). میانگین و انحراف استاندارد نمرات هوش هیجانی و عامل های آن.....
۷۶	جدول (۳-۴). میانگین و انحراف استاندارد نمرات عامل های پرسشنامه ی راهبردهای انگیزشی برای یادگیری.....
۷۹	جدول (۴-۴). شاخص برازش شده مدل ساختاری.....
۸۰	جدول (۵-۴). ضرایب مسیر و مقادیر سوبل.....
۸۳	جدول (۶-۴). مدل مسیر برای مؤلفه های هوش هیجانی، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی.....
۸۴	جدول (۷-۴). تاثیرات برای مؤلفه های هوش هیجانی، باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.....
۸۵	جدول (۸-۴). نتایج آزمون تحلیل واریانس چند راهه (MANOVA) را برای مقایسه هوش هیجانی و عامل های آن در میان دو جنس.....
۸۶	جدول (۹-۴). بررسی تاثیرات عضویت گروهی بر هر کدام از عامل ها و مقایسه های زوجی.....
۸۷	جدول (۱۰-۴). نتایج آزمون تحلیل واریانس چند راهه (MANOVA) برای مقایسه راهبردهای خود تنظیمی و باورهای انگیزشی و عامل های آن در میان دو جنس.....
۸۷	جدول (۱۱-۴). بررسی تاثیرات فردی و مقایسه های زوجی.....

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

همراه با شروع قرن ۲۱ جوامع با معضلات اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی بسیاری مواجه می‌باشند. رخدادها و تحولاتی که در قرن حاضر در زمینه‌های مختلف اتفاق می‌افتد از حوادث مهم و شگفت تاریخ حیات بشری به حساب می‌آیند. دگرگونی‌ها بر ابعاد و جوانب مختلف زندگی تأثیری عمیق گذاشته به نحوی که شیوه زندگی و طرز تفکر در پی آن تغییر کرده و اندیشه‌های جدیدی را پدید آورده است. از جمله نهادهایی که تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است. خانواده می‌باشد. خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است (نجاتی، ۱۳۸۷). عمیق‌ترین احساس رضایت باطنی در زندگی و بزرگترین شادمانی و بیشترین آرامش درونی انسان زمانی حاصل می‌شود که بتوان عضوی از یک خانواده خوشبخت باشد، خانواده‌ای که در آن عشق و مهر حکمفرمایی کند و همه یکدیگر را دوست دارند. جدیت و تلاش‌های فوق العاده و عملیات قهرمانانه و حتی پیشرفت و موفقیت در کارها هنگامی اسباب خشنودی خاطر می‌گردد که بتوان از آرامش کانون خانواده بهره و لذت برد و در شادمانی و نشاط آن شریک شود (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

اکثر مردم معتقدند اهمیت دادن به خانواده، دوستیها، عشق و ازدواج هدفی قاطع برای دانشمندان علوم رفتاری است. نظر غالب کارشناسان هم این است که برای حل بسیاری از مشکلات موجود به شهروندانی نیاز است که نه تنها دارای قابلیت‌های خردمندانه، بلکه به همان نسبت دارای مهارت‌های اجتماعی و هیجانی قابل

توجه نیز باشند (بار-ان و برن^۱، ۱۹۹۷). تشخیص اهمیت مهارت‌های اجتماعی و توان کنار آمدن مؤثر با دیگر افراد موجبات علاقه مندی روز افزونی را به مفهوم (هوش هیجانی)^۲ فراهم آورده است. در چند سال گذشته هوش هیجانی موضوع پژوهش‌ترین کتابها، مجله‌ها و مقاله‌ها بوده است. این تحقیقات موضوع شمارقابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌های علمی نیز بوده است. هوش هیجانی تحول جدیدی در فهم رابطه بین عقل و هیجان بوجود آورده است. بر خلاف اندیشه‌های پیشین، سهم یکنای آن در ایران تفکر و هیجان به صورت یک هستی در هم تنیده‌ای سازگارانه و خردمندانه است. مفهوم هوش هیجانی گویای این است که این دو آن چنان که تصور می‌شود. از هم جدا نیستند. در سال‌های اخیر اصطلاح هوش هیجانی گسترش فزاینده‌ای یافته است، خصوصاً در زمینه کاربرد آن در تعلیم و تربیت، زندگی شخصی، محیط کار، و تجارب، پژوهشهایی انجام شده است. (گلن^۳، ۱۳۸۰، ترجمه: فرجادی). طرفداران هوش هیجانی بر این باورند که برای پیش بینی عملکرد فردی، هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی توان بیشتری دارد (گلن. ۱۹۹۸ به نقل از تی لم و کربی^۴، ۲۰۰۲). همچنین هوش هیجانی بالا می‌تواند کیفیت عمومی زندگی و موفقیت‌های شخصی و اجتماعی فرد را ارتقاء دهد. (گلن، ۱۹۹۸). همچنین در مجموع نویدی که هوش هیجانی دارد. اینست که می‌تواند در حل حداقل یکی از مسایل انسانی، یعنی تعارض بین آن چه فرد احساس می‌کند و آن چه می‌اندیشد، ما را یاری کند. این مفهوم یا سازه اعلام می‌دارد که اگر افراد از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشند، بدون داشتن تحصیلات عالی باز هم می‌توانند در زندگی موفق باشند (بار-ان ۲۰۰۰).

هوش هیجانی مشتمل بر شناخت احساسات خود و دیگران و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است. به عبارتی، هوش هیجانی عاملی است که به هنگام شکست در شخص ایجاد انگیزه می‌کند و به واسطه داشتن مهارت‌های اجتماعی بالا منجر به برقراری رابطه خوب با دیگران می‌شود.

تئوری هوش هیجانی دیدگاه جدیدی درباره پیش بینی عوامل مؤثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی فراهم می‌کند که تکمیل کننده علوم شناختی، علوم اعصاب و رشد کودک است. قابلیت‌های هیجانی برای تدبیر ماهرانه روابط با دیگران بسیار حائز اهمیت است. (نوری، ۱۳۸۵)

هوش هیجانی در بردارنده‌ی آگاهی، تنظیم و بیان درست دامنه‌ای از هیجان‌ات است. لذا توانایی شناخت، ابراز و کنترل این هیجان‌ات یکی از ابعاد مهم هوش هیجانی است و ناتوانی فرد در هر کدام از این توانایی‌ها منجر

1 Bar-on & Byrne

2 Emotional intelligence

3 Goleman

4 Thilam & Kerby

به اختلالاتی نظیر اختلالات اضطرابی و خلقی خواهند شد که حاکی از نقص خودگردانی هیجانی است که ویژگی کلیدی هوش هیجانی است. بنابراین تا آنجا که ممکن است ما باید این مهارت‌های هوش هیجانی را که مبنای آن‌ها شناخت دقیق هیجانات و کنترل و تنظیم آن‌ها است به کودکان آموزش دهیم تا احتمال بروز این اختلالات را کاهش داده و از این طریق عملکرد آن‌ها بهبود یابد (شامرادلو، ۱۳۸۳).

سال‌هاست که جدی‌ترین نظریه‌پردازان هوشبهر کوشیده‌اند تا احساسات را به حیطة هوش وارد کنند به جای آن‌که عواطف و هوش را دو نقطه متضاد ناهمساز در نظر بگیرند. از این رو، ال. ای ثراندایک روان‌شناس نامداری که در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در همگانی کردن نظریه هوشبهر نقش مهمی داشت در مقاله‌ای در روزنامه‌ی هارپر اظهار داشت: «هوش اجتماعی یعنی توانایی درک دیگران و عمل کردن عاقلانه در ارتباط‌های بشری». ثراندایک معتقد بود که هوش از یک مؤلفه تشکیل نشده است چرا که نمی‌توان با یک هوش توانایی‌های انسان را سنجید. به همین دلیل او سه نوع هوش را مطرح می‌کند: «هوش اجتماعی، هوش عینی و هوش انتزاعی». به نظر وی هوش اجتماعی عبارت از توانایی درک دیگران و برقراری رابطه مناسب با آن‌ها است. از این نقطه نظر فرد باهوش کسی است که در هنگام قرار گرفتن در یک جمع بتواند احساسات و عواطف دیگران را به خوبی درک و با آن‌ها رابطه خوبی برقرار کند (خسروجاوید، ۱۳۸۱).

و کسلر (۱۹۴۰؛ به نقل از بار - ان، ۱۹۹۷) نیز بر ابعاد غیرعقلانی هوش عمومی تاکید کرده است، عبارت

زیر بیانگر تاکید و کسلر بر مفهوم هوش هیجانی است:

«سؤال اصلی این است که آیا توانایی‌های غیرعقلانی، یعنی توانایی‌های هیجانی و فطری عوامل قابل قبولی برای هوش کلی می‌باشد؟ من کوشیده‌ام نشان بدهم که علاوه بر عوامل عقلانی، عوامل غیرعقلانی وجود دارد که تعیین کننده هوش‌اند، چنانچه مشاهدات آتی تایید کننده این فرضیه باشد، نمی‌توان فرض کرد که بتوان هوش کلی را بدون لحاظ کردن عوامل غیرعقلانی محاسبه کرد».

لیبر (۱۹۴۸؛ به نقل از بار - ان، ۱۹۹۷) اظهار کرد که تفکر هیجانی قسمتی از تفکر منطقی و هوش کلی است و به آن‌ها کمک می‌کند. این فرضیات اولیه پس از نیم قرن در اندیشه یکی از اساتید دانشگاه، به نام گاردنر متبلور شد. وی دیدگاه سنتی صاحب نظران هوش شناختی در اوایل قرن بیستم را وسعت بخشید. او معتقد بود که هوش ابعاد متعددی دارد که ترکیبی از ابعاد شناختی و عناصر هیجانی (یا به نقل از خود او هوش شخصی) است. بعد هیجانی مفهوم هوش چند وجهی وی شامل دو جزء کلی است که تحت عنوان «قابلیت‌های درون روانی» و «مهارت‌های بین فردی مطرح شده‌اند.

هوش درون فردی هوشی است که به ما کمک می‌کند تا به آنچه انجام می‌دهیم، به افکارمان و احساساتمان و

روابطی که بین تمام این امور وجود دارد معنا ببخشیم، با این وجود می‌توانیم یاد بگیریم خودمان و هیجانانامان را به خدمت بگیریم. هوش بین فردی، هوشی است که به ما امکان تنظیم روابط با دیگران، همدلی با آن‌ها، برقراری ارتباطات شفاف، و برانگیختن آن‌ها و فهم ارتباط بین آن‌ها را فراهم می‌سازد. با این هوش می‌توانیم به دیگران الهام ببخشیم و اعتمادشان را به خودمان خیلی سریع جلب کنیم (بار - ان، ۱۹۹۷).

گاردنر خاطر نشان می‌کند که هسته هوش بین فردی «توانایی درک و ارائه پاسخ مناسب به روحيات، خلق و خو، انگیزش‌ها و خواسته‌های افراد دیگر است». او اضافه می‌کند که در هوش درون فردی کلید خودشناسی عبارت از «آگاهی داشتن از احساسات شخصی خود و توانایی متمایز کردن و استفاده از آن‌ها برای هدایت رفتار خویش است» (گلمن، ۱۹۹۵).

استرنبرگ روان‌شناس دانشگاه ییل از مردم خواست که خصوصیات یک فرد با هوش را بیان کنند، افراد بسیاری مهارت‌های مردمی عملی را جزء ویژگی‌های اصلی برشمردند. تحقیقات بیشتر، استرنبرگ را به نتیجه‌گیری ثن‌دایک بازگرداند و آن این که هوش اجتماعی از توانایی تحصیلی متمایز است و همان چیزی است که افراد را وادار می‌کند که در عرصه زندگی به خوبی عمل کنند (دهشیری، ۱۳۸۲).

واژه هوش هیجانی برای اولین بار توسط واین پاین در رساله دکترا استفاده شده است ولی مایر و سالووی در سال ۱۹۹۰ معنای آن را توسعه دادند (حدادی کوهسار، ۱۳۸۳).

مایر و سالووی (۱۹۹۸) هوش هیجانی را نوعی هوش اجتماعی و مشتمل بر توانایی کنترل هیجان‌های خود و دیگران و تمایز بین آن‌ها و استفاده از اطلاعات برای راهبرد تفکر و عمل دانسته و آن را متشکل از مؤلفه‌های درون فردی و میان فردی گاردنر می‌دانند و در پنج حیطه به شرح زیر خلاصه می‌کنند:

خودآگاهی: آگاهی از خویشتن، توانایی خودنگری و تشخیص دادن احساس‌های خود به همان گونه که وجود دارند.

اداره‌ی هیجان‌ها: کنترل هیجان‌ها، و احساسات به شیوه مطلوب و تشخیص منشأ این احساسات و یافتن راه‌های اداره و کنترل ترس‌ها و هیجان‌ها و عصبانیت‌ها و امثال آن است.

خودانگیزی: جهت دادن و هدایت عواطف و هیجان‌ها به سمت و سوی هدف، خویشتن هیجانی و به تاخیر انداختن خواسته‌ها و بازداري تلاش‌ها است.

هم‌حسی: حساسیت نسبت به علایق و احساسات دیگران و تحمل دیدگاه‌های آنان و بها دادن به تفاوت‌های موجود بین مردم در رابطه با احساسات خود نسبت به اشیاء و امور است.

تنظیم روابط: اداره هیجان‌های دیگران و برخورداري از مهارت‌های اجتماعی است.

اما کسی که توانست هوش هیجانی را بر سر زبان‌ها بیاورد و در سطح جهان مطرح کند و از نظریه به کاربرد نزدیک سازد، دانیل گلمن (۱۹۹۵) است.

گلمن در سال ۱۹۹۴ و اوایل ۱۹۹۵ بر آن شد که کتابی در مورد سوادآموزی هیجانی تألیف کند. وی برای این کار از تعدادی مدارس دیدن کرد تا ببیند مدارس برای رشد هیجانی دانش‌آموزان از چه روش‌هایی استفاده می‌کنند، او همچنان جهت تألیف خود مطالعاتی داشته است تا اینکه با نظرات میر و سالووی آشنا می‌شود. سرانجام کتابی در سال ۱۹۹۵ تحت عنوان هوش هیجانی توسط گلمن تألیف می‌شود. وی در این کتاب اطلاعاتی پیرامون مغز، هیجانات و رفتار گردآوری نموده است و برخی از عقاید خود را نیز در این کتاب مطرح کرده است. او توانست توجه محققین و علاقمندان به هوش را به خود جلب کند، این کتاب به میزان زیادی موجب انتقادهای جدی از سوی برخی محافل دانشگاهی گردید اما کتاب دوم او یعنی «هوش هیجانی در محیط کار» (۱۹۹۸) توانست به بسیاری از ابهامات پاسخ دهد.

بلاک و بلاک (۱۹۸۰)؛ به نقل از سالووی و مایر و کارسو، (۲۰۰۲) با کاربرد ابزاری دریافتند که ابعاد مهم هوش هیجانی، را می‌توان اطمینان به خود، خوش‌بینی و تعادل هیجانی دانست. افراد دارای هوش هیجانی بالا از خودکنترلی و خودانگیزی بالایی برخوردارند، زندگی‌شان معنادار است و اصولی و مسوولیت‌پذیر هستند، عواطف خود را به درستی تدبیر و ابراز می‌کنند، قانعند و نسبت به دیگران حساس و مراقبند، زندگی هیجانی پربار و متعادلی دارند، با خودشان، با دیگران و محیط اجتماعی‌شان راحتند، اجتماعی، خودانگیخته و با نشاطند و تجارب جدید را، می‌پذیرند.

مدلی چند عاملی برای هوش هیجانی تدوین کرده است، وی معتقد است که هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد را برای سازگاری مؤثر با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند و صفت هیجان در این نوع هوش رکن اساسی است که آنرا از هوش شناختی متمایز می‌کند. از دیدگاه بار - ان (۱۹۹۷) هوش هیجانی دارای ابعاد عاملی است. وی ۱۵ بعد هیجان را عنوان می‌کند که با استفاده از خرده مقیاس‌های پرسشنامه بهر هیجانی بار - اون اندازه‌گیری می‌شود. هوش هیجانی و مهارت‌های هیجانی، اجتماعی طی زمان، رشد و تغییر می‌کند و می‌توان با آموزش و برنامه‌های اصلاحی مانند تکنیک‌های درمانی آن‌ها را بهبود بخشید.

گرچه سازه هوش هیجانی مربوط به ده سال اخیر است، ولی مقالات و مطالعات انجام گرفته در این حیطه در طی این سال‌ها، در مقایسه با سایر حوزه‌های روان‌شناسی بی‌نظیر بوده است. هوش هیجانی از آخرین مباحث

متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطقی و هیجان محسوب می‌شود. بر خلاف مباحث اولیه، در اینجا فکر و هیجان به عنوان یک موضوع برای سازگاری و هوشمندی در نظر گرفته شده است. (بار ۱۹۹۷)

دانیل گلن اظهار می‌دارد که هوش شناختی در بهترین شرایط تنها ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را شامل می‌شده و ۸۰ درصد دیگر موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است. به علاوه، سرنوشت افراد در بسیاری از موفقیت‌ها در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. در واقع، هوش هیجانی عدم موفقیت افراد را با ضریب هوش بالا و همچنین موفقیت غیر منتظره افراد دارای هوش متوسط را تعیین می‌کند. یعنی افراد با داشتن هر شیء عمومی متوسط و هوش هیجانی بالا خیلی موفقتر از کسانی هستند که هوش عمومی بالا و هوش هیجانی پائین دارند، پس هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده موفقیت افراد در زندگی، تحصیل و نحوه برخورد مناسب با استرس‌ها است.

هوش مفهوم جدیدی است که در سال‌های اخیر مطرح شده است و در مقابل هوش شناختی یا هوشبهر بکار می‌رود. هوش هیجانی هوش غیر شناختی است که مشتمل بر شناخت احساسات و استفاده درست از آنها، تصمیم‌های مناسب، توانایی اداره مطلوب خلق و خو، کنترل تکانه‌ها و مهارت‌های اجتماعی مطلوب است (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۶).

هوش هیجانی^۱ نوع دیگر با هوش بودن است و شامل درک احساسات خود برای تصمیم‌گیری مناسب در زندگی می‌باشد نقش هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی که در این تحقیق مد نظر می‌باشد بسزا می‌باشد.

هوش و استعداد تحصیلی^۲ و هشیاری عاطفی ضد یکدیگر نیستند بلکه با هم تفاوت دارند فردی که بهره هوشی او بالاست (یعنی فاقد هوشیاری عاطفی است) تقریباً کاریکاتوری از یک آدم خردمند است وی در قلمرو ذهن چیره دست ولی در دنیای شخصی خویش ضعیف است (گلن ۱۹۹۵).

در طی دو دهه اخیر کارشناسان تعلیم و تربیت به مقوله‌های شناخت و انگیزش توجه بیشتری کرده‌اند. یکی از نظریه‌هایی که این پژوهشگران در قالب آن به مطالعه می‌پردازند، نظریه یادگیری خود تنظیمی^۳ می‌باشد، چارچوب اصلی این نظریه بر این اساس استوار است که دانشجویان چگونه از نظر فراشناختی^۴، انگیزشی و رفتاری، یادگیری خود را سامان می‌بخشند. همچنین مطالعه ابعاد شناختی بدون توجه به ابعاد انگیزشی و تاثیر تعاملی این دو بر میزان یادگیری، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، چرا که در فرآیند یادگیری علاوه بر عوامل

1 - EQ. Emotional Quotient

2 - IQ

3 - Self Regulation Learning

4 - Metacognitive

شناختی، عوامل انگیزشی نیز دخالت دارند. بنابراین در موقعیت‌های آموزشگاهی علاوه بر راهبردهای شناختی^۱ باید به باورهای انگیزشی دانشجویان نیز توجه نمود. در واقع نوع باورهای انگیزشی دانشجویان بر میزان یادگیری و استفاده از راهبردهای شناختی تاثیر عمده‌ای دارد. و از جمله عوامل تعیین کننده محسوب می‌شود (ایمر و آرچر^۲، ۱۹۸۸). بنابراین می‌توان با بررسی و مطالعه ارتباط عوامل انگیزشی و شناختی با عملکرد تحصیلی^۳ دانشجویان زمینه توجه و دقت به این عوامل را یادآوری کرد.

۱-۲- شرح و بیان مسئله پژوهشی

با نگاهی به مفهوم تحصیل کرده بودن به این نکته می‌رسیم که دیدگاه جاری این است که این مفهوم، فاضل بودن، مسئول بودن و دلسوز بودن را شامل می‌شود و از نظر برخی مسالمت آمیز بودن هم جزء آن می‌باشد. (الیاس، زینس، ویلز برگ و دیگران^۴، ۱۹۹۷). این بدین معنی است که تأکید سنتی بر مهارت‌های عقلانی یعنی IQ باید با تمرکز بر مهارت‌های اجتماعی و هیجانی تکمیل شود. توجه به تفاوت آموختن نظری و آموختن با هدف زندگی و کاربرد و دقت در کارکرد مغز و حافظه نشان می‌دهد که عوامل هیجانی و اجتماعی و مهارت‌های ناظر بر این عوامل نقش تعیین کننده‌ای در کارکردهای ذهن و فرایند آموزش و یادگیری دارند. (گلمن، ۱۳۸۵).

جان دیویی با تعمقی در ماهیت کلاس‌های درس به این نتیجه رسید که کلاس‌های درس جایی است که در آن فراگیران باید مردم سالاری، مهارت‌های لازم برای حفظ آن، حالت تعمق ذهنی برای پیشبرد آن وجود اجتماعی و هیجانی لازم برای انتقال آن را یاد بگیرند. از نظر دیویی، بین مطالبی که باید آموخته شوند، با وقتی که این مطالب در آن آموخته می‌شوند و عرصه‌ای که این آموخته‌ها باید در آن به کار گرفته شوند، رابطه‌ی تنگاتنگ وجود دارد (دیویی^۵، ۱۹۳۸، به نقل از کیاروچی، فورگاس و مییر^۶، ۱۳۸۵). در نظام آموزشی ما این مشکل وجود دارد که صرفاً بر توانایی تحصیلی تاکید می‌شود و مجموعه‌ای از صفات که بی اندازه در سرنوشت افراد اهمیت دارند، نادیده انگاشته می‌شود. در حالی که توانمندی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی از عوامل تعیین کننده و تاثیرگذار بر موفقیت تحصیلی محسوب می‌شوند (اوستین، سالکوفسکی و ایگن^۷، ۲۰۰۵) در

1 Cognitivestrategy

2 Ames ,C.& Archer ,J

3 Academic Performance

4 Elias & Zins & Weissberg

5 Dewey

6 Ciarrochi & Forgas & Mayer

7 Austin & Saklofske & Egan